

پیشنیاز جلسه ۵ :

خلاصه نکات استاندارد حسابداری موجودی مواد و کالا

ارزشیابی و انعکاس موجودی مواد و کالا اثر با اهمیتی در تعیین و ارائه وضعیت مالی و عملکرد مالی واحدهای تجاری دارد.

موجودی مواد و کالا به داراییهایی اطلاق میشود که : (بند ۳)

برای فروش در روال عادی عملیات واحد تجاری نگهداری میشود،

به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات در فرایند تولید قرار دارد(کار در جریان ساخ)،

به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات، خریداری شده و نگهداری میشود(مواد خام)، و

ماهیت مصرفی دارد و به طور غیرمستقیم در جهت فعالیت واحد تجاری مصرف میشود(ملزومات مصرفی)

موجودی مواد و کالا باید بر مبنای " اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش " تک تک اقلام یا گروه های اقلام مشابه، اندازه گیری شود.(بند ۴)

بهای تمام شده موجودی مواد و کالا باید در برگیرنده موارد زیر باشد:

مخارج خرید: شامل بهای خرید و هر گونه مخارج دیگری از قبیل حقوق و عوارض گمرکی و حمل است که مستقیماً به خرید مربوط میگردد (بند ۷)

مخارج تبدیل: شامل مخارجی است که مستقیماً به اقلام تولید شده مربوط میگردد، همچنین شامل سربار تولید (اعم از ثابت و متغیر) است که برای تبدیل مواد اولیه به محصول یا ارائه خدمات واقع میشود.(بند ۹)

سایر مخارجی: سایر مخارج تنها تا میزانی که به طور آشکار به رساندن موجودی مواد و کالا به مکان و شرایط فعلی آن مربوط است به عنوان بخشی از بهای تمام شده موجودی ها منظور میشود.(بند ۱۷)

مخارج مربوط به ظرفیت بلااستفاده باید در دوره وقوع به عنوان هزینه عملیاتی و پس از سود ناخالص در صورت سود و زیان منعکس شود(بند ۱۱)

یکی از دلایلی که گاه در رابطه با عدم شمول مخارج سربار خاصی در بهای تمام شده عنوان میشود، لزوم اتخاذ برخورد محافظه کارانه در ارزشیابی موجودی مواد و کالا است.(بند ۱۳)

در مواردی که مخارج تبدیل هر محصول جداگانه قابل تشخیص نباشد، این مخارج بر مبنایی منطقی و یکنواخت به محصولات تخصیص می یابد.(بند ۱۴)

در اغلب موارد، محصولات فرعی ماهیتاً کم اهمیت است، از این رو این محصولات به خالص ارزش فروش اندازه گیری و مبلغ حاصل شده از بهای تمام شده محصول اصلی کسر می شود.(بند ۱۴)



در تخصیص مخارج دواير خدماتی مرکزی، ممکن است مسائلی بروز کند. مبنای تخصیص چنین مخارجی باید میزان خدماتی باشد که در رابطه با عملیات مختلف ارائه میشود. (بند ۱۶)

موارد زیر، نمونه هایی از مخارجی است که در بهای تمام شده موجودیها منظور نمیشود و در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی میگردد:

مبالغ غیرعادی مربوط به ضایعات مواد، دستمزد و سایر مخارج تولید (ضایعات قابل کنترل)

مخارج انبارداری باستثنای مخارجی که در فرایند تولید برای انبارداری محصولاتی که نیاز به پردازش بیشتر دارند، انجام میشود.

سربار اداری که در رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی نقشی ندارد.

مخارج فروش (بند ۱۸)

مخارج مدیریت عمومی، برخلاف مدیریت عملیاتی، مستقیماً به تولید جاری مربوط نمیشود و لذا نباید در مخارج تبدیل منظور گردد. (بند ۱۹)

برای محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا روشهای مختلفی با آثار متفاوت به کار گرفته میشود. این روشها شامل موارد زیر است:

اولین صادره از اولین وارده: عبارت است از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براین اساس که تعداد موجود، بیانگر آخرین خریدها یا آخرین تولیدات است. (بند ۲۳)

میانگین موزون: عبارت از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براساس اعمال بهای متوسط در مورد واحد موجودی است. (بند ۲۴)

شناسایی ویژه: روشی است که در آن مخارج مختص هر یک از اقلام موجودی به آن قلم اختصاص مییابد. این روش برای اقلامی مناسب است که صرفنظر از فرایند خرید یا تولید قابل تشخیص هستند. (بند ۲۵)

اولین صادره از آخرین وارده: عبارت است از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براین اساس که تعداد موجود بیانگر اولین خریدها یا اولین تولیدات است. (بند ۲۶)

موجودی پایه: عبارت است از بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براین اساس که یک ارزش واحد ثابت به بخشی از موجودیها که تعداد آن از پیش تعیین شده است نسبت داده میشود و موجودیهای اضافه براین تعداد به روش دیگری ارزشیابی میگردد. (بند ۲۷)

خرده فروشی: بهای تمام شده موجودی مواد و کالا باید با استفاده از روشهای "شناسایی ویژه"، "اولین صادره از اولین وارده" یا "میانگین موزون" محاسبه شود.

هزینه یابی استاندارد عبارت است از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براساس هزینه های از پیش تعیین شده برای هر دوره (بند ۳۲)

در واحدهای خرده فروشی کالاهای موجود در محوطه واحدهای مزبور اغلب برحسب قیمت فروش به کسر درصد معمول

برای سود ناخالص منعکس میشود. (بند ۳۳)

در تعیین نزدیکترین تقریب برای بهای تمام شده، واحد تجاری با دو مسئله مواجه میگردد:

انتخاب روش مناسب برای تخصیص هزینه ها به موجودی مواد و کالا

انتخاب روش مناسب برای محاسبه بهای تمام شده مربوط در مواردی که تعدادی اقلام مشابه در زمانهای مختلف خریداری یا ساخته شده است. (بند ۳۴)

در انتخاب روش هایی که در ردیف های (الف) و (ب) نکته شماره ۱۶ (بند ۳۴) ذکر شد، مدیریت باید با اعمال قضاوت، از انتخاب منصفانه ترین تقریب ممکن اطمینان حاصل کند. (بند ۳۵)

خالص ارزش فروش = تمام مخارج مربوط به تکمیل، بازاریابی و فروش - بهای فروش (بند ۳۶)

در شرایط استثنایی، هنگامی که تعیین خالص ارزش فروش موجودیها به دلایل مختلف به گونه ای قابل اتکا امکان پذیر نباشد، بدهای جایگزینی میتواند تقریبی قابل قبول برای خالص ارزش فروش باشد. (بند ۳۹)

اگر: خالص ارزش فروش موجودی مواد اولیه، کمتر از بهای تمام شده آن باشد، به شرطی که: کالاهایی که از مواد مزبور ساخته میشود هنوز بتواند با سود به فروش رسد، آنگاه: مبلغ دفتری مواد اولیه کاهش نمی یابد. (بند ۴۰)

برای محاسبه اولیه ذخیره کاهش ارزش موجودی مواد و کالا از "بهای تمام شده به خالص ارزش فروش"، اغلب میتوان از فرمول هایی استفاده کرد که بر معیارهای از پیش تعیین شده متکی است. در این فرمول ها معمولاً عمر کالا، گردش کالا در گذشته، گردش آتی مورد انتظار و ارزش اسقاط تخمینی کالا، بنابه اقتضای مورد، منظور شده است. (بند ۴۱)

چنانچه قطعات یدکی نگهداری شده برای فروش، بخشی از موجودی پایان سال را تشکیل دهد، لازم خواهد بود که عوامل مذکور در بند ۴۱، در چارچوب موارد زیر به طور اخص مورد ملاحظه قرار گیرد:

تعداد محصولات مربوط که تاکنون به فروش رسیده است،

فاصله زمانی تعویض قطعه یدکی، به طور تخمینی، و

عمر مفید مورد انتظار محصول مربوط (یعنی محصولی که قطعه یدکی در رابطه با آن به فروش میرسد.

خالص ارزش فروش نباید براساس نوسانات موقتی قیمت فروش برآورد شود، بلکه باید بر قابل اتکا ترین شواهد موجود در زمان برآورد مبلغ خالص ارزش فروش موجودیها مبتنی باشد. (بند ۴۴)

موارد اصلی که احتمال می رود: خالص ارزش فروش کمتر از بهای تمام شده باشد، مواردی است که شرایط زیر در آن حکم فرماست:

افزایش هزینه ها یا کاهش قیمت فروش،

خراب شدن موجودی،

ناباب شدن محصولات،

تصمیم شرکت مبنی بر ساخت و فروش محصولات به زیان (به عنوان بخشی از استراتژی بازاریابی شرکت

وقوع اشتباهاتی در تولید یا خرید). (بند ۴۵)

مبلغ دفتری موجودی مواد و کالای فروخته شده باید در دوره ای که درآمد مربوط شناسایی می‌گردد، به عنوان هزینه شناسایی شود. (بند ۴۶)

مبلغ کاهش ارزش موجودی مواد و کالا ناشی از اعمال قاعده " اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش " و کلیه زیان های مرتبط با موجودی مواد و کالا را باید در دوره کاهش ارزش یا وقوع زیانهای مربوط به عنوان هزینه شناسایی کرد.

در مورد موجودی هایی که در دوره قبل به مبلغی کمتر از بهای تمام شده ارزیابی شده اند و در دوره جاری به دلیل افزایش در خالص ارزش فروش، به مبلغ بیشتری ارزیابی گردیده اند، هرگونه افزایشی از این بابت در دوره جاری باید به عنوان درآمد یا کاهش هزینه دوره جاری (حداکثر تا حد جبران کاهش قبلی) شناسایی شود. (بند ۴۶)

موجودی هایی که به سایر حسابهای دارایی تخصیص مییابد، طی عمر مفید دارایی مربوط به عنوان هزینه شناسایی میشود. (بند ۴۷)

در این پست نکات مهمی که مربوط به استاندارد حسابداری شماره ۸ یعنی استاندارد حسابداری موجودی مواد و کالا بود را برای شما عزیزان بیان کردیم. امیدواریم مطالب این پست مورد استفاده شما عزیزان قرار بگیرد. مطالعه این پست برای تمامی کارجویان رشته حسابداری که قصد ورود به بازار کار حسابداری را دارند پیشنهاد می گردد.